

نااهل اداک

برگزیدگان ملت در برابر سبیل احساسات مردم بر تعظیم فروغ آوردند و با ۹۹ رای موافق اختیارات دولت را تصویب کردند و به مخالفین دولت نشان دادند که مخالفت با دکتر مصدق مخالفت با ملت ایرانست و مردم هائل

آیا مصدق مملکت را بسوی دیکتاتوری میکشاند یا مخالفین مصدق؟

تنها راه نجات ایران تصویب لایحه تمدید اختیارات بود

میکنند اگر اختیارات قانونگذاری بکساله بمصدق داده شود کاخ مشروطیت ایران دردم فرو خواهد ریخت! اگر مصدق برای مدت یکسال لوایح قانونی را خود تصویب رساند و بجنس ارجاع نکند بر بیکر استقلال و آزادی ایران ضربه بزرگی وارد خواهد آمد! اگر آقایان نمایندگان مجلس خود را برای مدت یکسال از بحث و مجادله در مواد لوایح قانونی محروم سازند و آنرا بدست کارداران دولتی تحت سرپرستی دکتر مصدق فرار دهند مملکت دوچار هرج و مرج و فساد خواهد شد! اما نیکویم که تمام نمایندگان این مجلس برگزیدگان ملت ایران نیستند. لکن میدانیم و این امر بتجربه بر مردم این کشور ثابت شده است میجالی که طبق قانون بوسیده انتصابات گذشته وجود آمده و در آن هزارها زارع و کارگر بیسواد بسوی صندوقهای انتخابات جلب شده اند هرگز برای مردم این مملکت نفعی نداشته و اگر چند ماهی قدرت قانونگذاری از آنان سلب شود کمترین لطمه ای بر این مملکت و بر اصول مشروطیت وارد نخواهد آمد.

بقلم مفسر سیاسی نامه اراک

دنیا پیش می رود و ما عقب بر میگردیم؛ دنیا آینده را نگاه میکند و اوضاع و احوال خود را با ترقیات علمی و فنی و عقلی وفق میدهد اما گذشته ها و مفاخر باستانی سخن میرانم و سرگرم کارهایی هستیم که با اصول زندگی اجتماعی و تحول جهان سازش ندارد.

دکتر مصدق را دیکتاتور میخواندند و از آن میترسیدند که مبدا در ایران رژیم دیکتاتوری بوجود آید و دکتر مصدق زمامدار مطلق ایران شود! حقیقتا اتهام مسخره آمیزی است! بدکتر مصدق همه چیز میتوان گفت مگر دیکتاتور او را! جر قدر اهر هر اصلی ممکن است دانست مگر اصل دیکتاتوری!

بحث سیاسی هفته

مشکل شیلات

هنگامیکه افق سیاست ایران از جهت مشکل نفت تاریک و گفتگوهای شبانه روزی بی ثمر و سیاستمداران غرب برحله قبال حلی منتهی نشده مشکل دیگری بان اضافه میشود که هر چند از لحاظ کبیت بیایه آن نرسد ولی بسا توجه به کبیت حائز اهمیت میباشد زیرا این دو قرار داد در واقع و فسر الامر قرارداد یک کشور قوی با کشور ضعیف بوده منتهی طرف معاهده در نفت جنوب شرکتی قاصد و غارتگر و متمدد در قرارداد شیلات، دولتی زورمند و حرف نشو می باشد.

بقلم آقای اعصاب زاده

یازده بهمن ماه یعنی یازده روز دیگر تاریخ قرارداد شیلات منقضی میشود و بنا بدولت آن در واگذاری و تصنیف اموال متولور غیر منقول باید اقدامات لازم بعمل آید.

از درین حالیکه معاهده شیلات آخرین مراحل خود را می بیند کوچکترین اقدامی در چگونگی و ترتیب آنکه شیلات شروع شده و معلوم نیست این مشکل بچه نحو حل میگردد.

مذاکرات سفیر کبیر شوروی با نخست وزیر ایران نه فقط موضوع داو جنبه عمومی واضح و آشکار ننموده بلکه یک نوع ابهام آمیخته به پاس بوجود آورده است.

مطلبین، بسئله شیلات و ترتیب واگذاری آن در خانه قرار داد، از جهت اینکه طرف معاهده یک دولت میباشد پیش از موضوع امت جنوب اهمیت داده

حوادث مهم هفته گذشته پیش از همه جا در کشور های کمونیستی رخ داد و مخصوصا قضیه بزشگان شوروی و پس از آن انتخاب رئیس جمهوری یوگوسلاوی و بالاخره خبر توقیف و ذری امور خارجه آلمان شرقی و چند نفر دیگر از کارمندان عالیرتبه آن کشور توجه تمام جهانیان را بخود جلب کرد.

قضیه بزشگان عالی مقام شوروی که بادامی مطبوعات و دادیو های شوروی توطئه اسرار آمیزی برای از بین بردن رجال سیاسی و نظامی آن کشور ترتیب داده و گویا باعث مرگ ژدائف و چریاکوف وغیره شده اند در کسلیه مطبوعات و دادیو های جهان انعکاس مهمی پیدا کرد و البته در هر کشور این موضوع بیک نحو تعبیر و تفسیر شد.

حقیقت امر هرچه باشد نتیجه اینست

بر خلاف مسیر آب شنا نمیکنند

هم مینهان عزیز از ارباب احساساتی که در عرض هفته اخیر از طرف ملت ایران نسبت بدکتر مصدق واعطاء اختیارات یکساله باوشد بغیر آگاهند - مردم ایران همان کسانیکه دکتر مصدق را در کار آوردند و در این دوساله قدم بقدم او اوشیبتیانی کردند وقتی دیدند قهرمان ملی ما برای ادامه مبارزه احتیاج بتمدید اختیارات دارد از اقصی نقاط ایران از شهرها و دهات دور دست از کوهها و صحراهای دور افتاده از همه جا مردم شهر نشین وسکنه قراء و قصباط طلی تکراف - هائی که بر کسر مملکت مفاخره کرده اند از بقیه در صفحه ۲

تفسیر اوضاع سیاسی جهان

میکنند، در یک صراط راه نمیرویم دهان در میباشم گفته همه را عم از دوست و دشمن خودی و بیگانه باور میکنیم زود با افراد ایمان پیدا مینمایم و هنوز مرحله ای در شناسایی او طی نشده ایم - کفر و ارتداد نسبت باوشد پیشه خود میسازیم این چنین ملتی با چنین افراد کم طاقت، کم حوصله، زود رنج بکجا میرسد.

نامه های متبادله

چون در خلال این هفته که موضوع اختیارات دولت در مجلس شورایی مطرح بود نامه های از طرف آیتاله کاشانی بجلس و همچنین از مجلس بآیتاله کاشانی رد و بدل شده است که قرائت آنها حایز اهمیت می باشد بنابر این متن آنها را ذیلا درج مینمایم.

نامه حضرت آیت الله کاشانی به مجلس شورای ملی

بسم الله الرحمن الرحیم
مجلس شورای ملی شیدا اله اکانه
بمحکم محکم قرآن مجید که بهترین راهنمای خلق جهان است نعمت اسلام که راه مرحمت حضرت بارتقایی بر جامعه بشریت جهان اذانی گردیده و دستور متقن حضرت خیر الانام که امر و مقرر است مانع از هر چه در وجه جمیع حال و احوال همگی خدای را حاضر و ناظر دانسته و اجتناب از زناهای و خیانت نموده و طریق رستگاری را بیبایم بر حسب بقیه در صفحه ۲

دنیا در هفته گذشته

که در کشور اسرائیل بملت جنبه ضدهودی این اتهامات - نهضت جدیدی علیه کمونیسم بوجود آمده و در اورشلیم شمار های بدیوار ها الصاق شده بدین وسیله تقاضا میشود نمایندگان کمونیست از پارلمان اخراج شوند چون اغلب خوانندگان محترم از جزئیات این خبر ها مطلع می باشند ما از شرح و بسط خود داری می کنیم و فقط احتمال دارد قضیه دنباله پیدا کند.

در یوگوسلاوی با تصویب قانون اساسی جدید و انتخاب مارشال تیتو بر باست جمهوری رژیم کمونیست آن کشور

نوبت اول آگهی سه ماهه سوم ثبت اسناد اراک با این شماره انتشار یافت علامتندان استفاده نمایند.

حکومتی که بدست بیگانگان در مصر بوجود آمد!

چندماه است که در کشور مصر بدست بیگانگان حکومتی بوجود آمده است که میکسند درس روش مردم قهرمان مصر تاثیر عمیقی داشته باشد. مردم خاورمیانه بطور کلی و ما ایرانیان بالاخص باین نوع حکومتهای فرمایشی و دست نشانه که در ظاهر ماسک اصلاحات بر چهره کربه خود میزند و در خفا مقاصد امپریالیستی کشورهای سرمایه دار باختری را بپوشد اجرا میکنند آشنائی کامل داریم. کوفی سیاستمداران بیگانه نمیدانند

از مجله: ریدرز دایجست چاپ آمریکا

حکومتی که بدست بیگانگان در مصر بوجود آمد!

که حکومت و ژنرال نجیب هاس معکوم بشکست اند. در هر صورت ما جهت اطلاع خوانندگان خود مقاله ای را که برده از روی کودتای اخیر مصر بر میدارد در این شماره انتشار میدهم.

برای نخستین بار در تاریخ مصر امید می رود که آن کشور بتواند با صلح نجات برسد و این امید بر اثر اقدام مردی در شیبی بر حادثه بوجود آمده - این مرد سربازی است که تا چهار ماه قبل کسی نام او را نشنیده حتی در مصر اکثر مردم او را نمیشناختند. او ژنرال نجیب است که مصریان او را ناجی مصر (!) و مسال مغرب ویرا نظیر دآنا تورتورک در ترکیه و مرد مقتدر خاورمیانه نام نهاده اند.

کودتای ژنرال نجیب بود که فاروق پادشاه مصر را به تبعید کاه فرستاد. اشرفیت را قانونا برانداخت، علیه فساد و رشوه خورای اعلان جنگ داد و بزادین وعده داد که املک بزرگ را دردم شکسته و آنها را ما بین کشاورزان و مالکین جزء تقسیم خواهد کرد.

نجیب همچنین اعلام کرد که از اغنیاء مالیات بیشتر خواهد گرفت، قیمت کالا های مورد مصرف قرا را با این خواهد آورد و اراحت و رود سرما بهای خارجی باز خواهد گذارد (!)

در حقیقت این یک انقلاب طبقه متوسط بود که بدست سربازان بورژوازی گذارده شد لکن باز در کانال طبقه متوسط گردانندگان چرخهای آن میباشد. امروز ملت مصر بویژه کارگران و دانشجویان و روشنفکران انتظار دارند که نجیب اصلاحات لازم را بقیه در صفحه ۶

نخستین نطق پر زینت «ایزنهاور»

بجایگاه رئیس جمهور جدید آمریکا، اتحاد و اتفاق بزرگترین عامل پیروزی دنیای آزاد است

تعلیف برادر کرد، حائز اهمیت فوق - العاده بود و در غرب، بلکه در سراسر جهان آزاد، بیترک به عامل امید بخش تلقی گردید.

قسمت اعظم مطالبی که ایزنهاور ایراد نمود، بربوط به سیاست خارجی و بین المللی بود و سه نکته اساسی در آن وجود داشت:

- ۱ - دنیای آزاد باید قوی و نیرومند باشد و از هر گونه تجاوزی بدست جلوگیری کند.
 - ۲ - آمریکا باید رهبری جهان آزاد را دست نهد.
 - ۳ - اتحاد و اتفاق دنیای آزاد، عامل بزرگ پیروزی است و به همین مناسبت باید این اتحاد را تقویت کرد.
- سه نکته فوق از اهم مسائلی بود که دیشب ایزنهاور بان اشاره کرد و تأیید نمود که حکومت او، برای رسیدن باین هدف، نهایت اهتمام و مجاهدت را بعمل خواهد آورد.
- آنچه که از بیانات دیشب ایزنهاور مایه امیدواری دنیای آزاد شده، یکی تقویت مدام نیرو های دمکراسی جهان میباشد - ایزنهاور شخصیت داده است که هر گونه ضعیفی در غرب، شرمنده و شرمناک خواهد بود.
- بقیه در صفحه ۵

نامه های مقبوله

بقیه از صفحه ۱

وظیفه دیبانی خود و سمت ریاست مجلس شورایی که بنا بر اصرار آقایان نمایندگان عهده دار میباشم باید باطلع مجلس برسانم.

ملت ایران دوازده کوششهای فراوان و فداکاریهای بسیار و دادن تلفات بسیار بر طبق قانون اساسی و موزه ۴۰ رقمه در ۱۳۲۴ دارای حقوقی است که حفظ و صیانت آن عهده نمایندگان محترم مجلس شورایی و مقامات اعلیای دولت است و باید با تکیه بر این اصول و مواظبت نمود.

مندی و تقصیر است عهد و پیمان استادم چون در اصل ۲۷ متمم قانون اساسی حق قانونگذاری عهده مجلس شورایی محول گردیده است و قوه قضاییه بمعناک شرعی در شریعت و بمعناک عدلیه در عرفیات و اجرای قوانین در عهده هیئت دولت و قوه اجرائیه و اکثر شده و در اصل ۲۸ قوانین لازم ضروری را برای همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل نموده است و تصرف از مواد مزبور که روح قانون اساسی و حکومت مشروطه می باشد تمکین در برابر حکومت خودسری و تسلیم بطلان لغایبی است و مخالفت صریح با قانون اساسی می باشد که تکفیری است و نمایندگان محترم مجلس در برابر خدای بزرگ و ملت ایران قسم یاد نموده اند بنابر وظیفه محوله از طرف خلق فداکار ایران، نمایندگی مجلس و تقویست ریاست مجلس با بیجا از طرف نمایندگان از مواضع اعلیای متمم در لایحه نخست و وزیر مجلس شورایی میباشد میان مسلم دولت قانون اساسی و صلاح مملکت و دولت است.

با این وصف مجلس شورایی نمیتواند چنین لایحه ای را که مخالف صریح با قانون اساسی می باشد و موجب تعطیل مشروطیت و اقیاض مورخ ۱۳۹۱ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ از قانون اساسی اصول ۲ و ۷ و ۲۸ و ۲۹ متمم آن می باشد و در حقیقت با عدم رعایت قوانین محرمه مملکت بصادق بدستکاری ریاست محترم و از طرفی حدود اختیار نمایندگان مجلس شورای ملی در حدود و کالی است که بپوشش قانون یا آنها و اکثر باشد و حق و اکثری قانونگذاری را بپذیرند و روشن است چنین عملی فائده آفرین قانون بنیاد علیها بصورتی در جاسوس عقدن می نماید که از طرف آن در جاسوس علنی مجلس خودداری شود و نمیتواند چنین لایحه ای جزو دستور قرار گیرد و در گذشته نیز استیضای را که نمایندگان محترم نموده اند دلیل و محرز تکرار آن در اجراء و صلاح اندیشی آقایان ریاست وزیر هم توصیه میکنم راهی را اختیار کرده است که بدون آثار استوار موقیت در ارجحیاتی نفت در پیش داریم فقط با تمسک بجزعالتین خداوندی و حفظ سنن مشروطیت و قانون و رعایت حقوق علمای ملت ایران میسر است و تقاضای لازمه برای انجام و تکمیل موضوع نفت که مورد پشتیبانی و کمک کامل اینجانب و مجلس شورایی و ملت شرافتمند ایران است بهیچوجه ارتباطی با اختیارات غیر قانونی ندارد و بالعکس تصرف از قانون اساسی و تجاوز بحقوق مقامات و ملت ایران منتهی می گردد و ما از اجراء جهاد بزرگی که علیه دول استعماری در پیش داریم بازمیدارد.

بزرگی دولتها و قدرت آنها در احترام بقوانین است و همه باید در برابر عظمت آن دوازده و فکر قانون شکنی را از خود بردارند و همواره در ادوار گذشته خود ایشان هم مؤید این نظر و معترف باین رویه بوده اند.

باید با مردم بود تادر آنچه قدرت و توانایی و پشتیبانی آنها به تنوع اصلی مبارزه علیه استعمار و تنگی مملکت توفیق حاصل آید و پیروم که استحضار جناب ایشان ریاست تاموقمه که با استحضار وظیفه دار در برسانم شورایی هستم اجازه طرح نظیر این اوانی را که مخالف صریح با قانون اساسی مملکت دارد در مجلس جایز ندانم.

رئیس مجلس شورایی

سید ابوالقاسم کاشانی

پاسخ هیئت رئیسه مجلس شورایی بابت آیت الله کاشانی

مقام معظم ریاست مجلس شورایی

مرفوعه عالی خطاب بمجلس شورای ملی امروز هنگام تشکیل جلسه علمی واصل و باستناد ماده ۲۹ آیین نامه داخلی باستحضار آقایان نمایندگان محترم رسید و البته مقام شامخ ریاست عالییه مجلس شورایی و بالاخص شخصیت حضرت آیت اله مورد احترام و تکریم مجلس شورایی و قاطبه ملت ایران می باشد عموما آقایان از تذکرات و راهنماییهای مفید آن مقام معظم که پیوسته مبتنی بر مصالح مملکت و حفظ اصول قانون اساسی بوده است کمال سیاستگذاری و تشکر را دارند.

پس از قرائت مرفوعه عالی در جلسه علمی مجلس از بلافاصله هیئت رئیسه تشکیل و مفاد آن مورد مذاکره قرار گرفت و اینطور اظهار نظر شد که روش مجلس شورای ملی همانطور که اشاره فرموده اند همواره باید مبتنی بر حفظ اصول قانون اساسی و مشروطیت و حق حاکمیت ملی بوده و هیچگاه از این اصل انحرافی حاصل نشود.

راجع بامر انتخابات هم مسلم است اختیار قانونگذاری از طرف مجلس شورایی تا کنون بطور اتمام و اتمام مقامی و اکثر شده و بطوریکه سوابق امر در ادوار مختلفه قانونگذاری (از دوره دوم بعهد) نشان میدهد اغلب ایتمونه اختیارات چه بکسیسویزهای پارلمانی چه باشخاص بطور موقت داده شده تا ابوابی تنظیم و موقتا بنحله آزمایش بگذارند ولی تعلیقت آنها هم مکرر بشور و معاندان و تصویب نهایی مجلس شورایی بوده است و با این ترتیب صدمه و لطمه به اصل حاکمیت مجلس شورای ملی ثابت و برقرار بوده است بخصوص که همواره و در هر لحظه حق سلب اختیار و با اعتماد یا پوشش مقدس شورایی بوده و خواص بود و این مراتب نیز در جلسه خصوصی امروز مجلس شورایی مورد تأیید واقع گردید. بنابراین طرح موضوع اختیارات و بودن آن در دستور مجلس شورایی و دستور آنهم بتصویب رسیده منافی با اصول قانون اساسی و حق حاکمیت مجلس شورایی نبوده است.

بذممه است لایحه تقدیمی دولت وقتی بصورت قانونی درخواهد آمد که بس از جهت و اظهار نظر های مخالف و موافق بر طبق موازین آیین نامه قانونی مجلس شورایی و خاتمه شور و مذاکرات به رای علمی آقایان نمایندگان محترم و اکثر میگردد و بر طبق همان اصول نتیجه هائی هم از مثبت و منفی منوط به رای قطعی مجلس شورای ملی خواهد بود و بنا بر همان موازین هم تقدیر دستور و مجلس شورایی با مسکوت گذاردن موضوع موکل و منوط بنظر و رای مجلس شورایی میباید و در این زمینه مسلم است هر يك از آقایان نمایندگان محترم می توانند در هر لحظه از حقوق قانونی خود استفاده فرمایند تا تقاضای نظریه می شود.

در خاتمه چون بنظر نرسید که منظور مقام منبع ریاست طرح نامه ارسالی و اظهار نظر مجلس شورایی نسبت آن باشد موافقت خواهند فرمود که جریان کار مجلس طبق موازین قانونی ادامه یافته و تمین تکلیف نهایی شود.

هیئت رئیسه مجلس شورایی بجواب آیت الله کاشانی

بسم الله تعالی

هیئت رئیسه مجلس شورایی پاسخ نامه هیئت رئیسه مجلس شورای ملی در باب طرح لایحه اختیارات شماره ۱۰۴۸ - ۲۸ - ۳۱۹۱ شماره میفارد که در این باب شرحی را که قبلا بمجلس نوشته و قرائت شده ملاحظه فرموده اند اکنون نیز در پاسخ نامه اخیر آنجه در این باب ضمن نامه مورخه ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ نوشته شده است و نظر اصولی اینجانب است و ما در باب ادامه مذاکرات مجلس البته طبق آیین نامه های قانونی عمل خواهید فرمود و خود میدانید.

۲۸ - ۳۱۹۱

سید ابوالقاسم کاشانی

نامه اراک

برگزیدگان ملت

بقیه از صفحه ۱

دکتر مصدق پشتیبانی کرده و از نمایندگان مجلس شورایی خواستند که اختیارات کاساله را بنحست وزیر تفویض کنند. خوانندگان عزیز بزرگای ضمن اخبار مارادید میگردید که گروه ابوئی از هموطنان ما در پایتخت طومار بزرگی بطول ۲۲ متر و عرض هشتاد سانتیمتر با شون خود امضاء کرده اند و همه بیکدل و یکبار در درخواست کرده اند که عطاء اختیارات یکساله به

نامه آیت الله کاشانی بنحست وزیر جناب آیت الله نخست وزیر

البته نامه ای که اینجانب بمجلس شورای ملی فرستادم در جلسه علمی قرائت گردید از نظر شخص جناب عالی گذشته است بنا بر وظیفه دیبانی و ملی خود برای حفظ وحدت عموم مردم در نهضت بزرگی که بر ضد استعمار در پیش داریم از شما تقاضا دارم قطعا از مضامین غیر قانونی خود در این بکرتن اختیارات خود داری نمایند تا درصدمایون مبارزه شکانی ایجاد نشود و اگر واقعا لایحه اختیارات خود را با موازین قانون اساسی موافق میدانید و ما توضیح دهید مطالبی را که در ادوار مختلف مجلس شورای ملی باقی مانده است و از ادب و رعایت حقوق عامه (دوره پنجم چهارم و شانزدهم) در بطریق قضایی خود بخلاف با تقاضای دولتهای وقت که فقط در قسمتی از مشون مملکتی اختیار میخواستند و شما باشناری و رد مینمودید و عین مذاکرات شما عموما مضبوط است و محل انگار ندارد مبنی بر چه اصل و منظوری بوده است خود جناب عالی تصریح نموده اند که قانون گذاری قابل انتقال نیست خود گفته اند تفکیک قوا پایه و اساس مشروطیت است اختلاط قوای مقلته و قضاییه و اجرائیه بازگشت حکومت دیکتاتوری است!! روزی که نماینده مجلس بودید باصدای بلند فریاد میزدید کاسیکه میخوانند از قدرت غیر قانونی استفاده کنند یا نمایندگانیکه کمک در تسلیم اختیارات قانون گذاری بیکه د و با دولتی میمانند بحقوق عامه خیانت کرده اند!!

اگر فراموش نموده اید عین آنها را دستور دادم که از ضبط مجلس خارج نموده و برای اطلاع خود جناب عالی و عامه ملت ایران منتشر نمایند.

جناب آقای دکتر مصدق من و جناب عالی در راه موقیت ملت مبارزه بر علیه استعمار قدیمای بلندی برداشته ایم و از کمک ملت ایران در این راه بر افتخار برخوردار گردیدیم اما انصاف اجازه نمیدهد که در این جهاد بزرگ با آنچه تفکری که مردم ایران نموده اند بجای باش آنان دست در حق و آزادی آنها نهاده و فاساد اساسی را که ضامن حیات و بقاء استقلال و ملت آنها است از اختیار بیاندازیم. شما صدعی هستید که از اختیارات سوء استفاده نمیکند ولی هستند کسانی بیدار من و شما میایند و از این قدرت های غیر قانونی بضرر جامعه ملت ایران و بر علیه مردم سوء استفاده خواهند نمود و آه و زفرین مردم ایران تا دامنه قیامت بردمان شما خواهد بود از اتمال من و شما در چنین مرحله ای از عزربندیه نیست و برخلاف عهدی که با خدای خود و خلق خدا داریم رفتاری کنیم که موجب ظمن آیتدگان شویم.

من طبقات مختلف مردم را آزارگر و کشاورز و تاجر و پیشه ور، دانشجوی و استاد و مترجم و روحانی و روحانیون با این حقایق ندانده شاهد و گواه می گردیم که در انجام وظیفه خود دقیقه ای مسامحه نکردم و امیدوارم که همگی برای سعادت ملت ایران بوظیفه وجدانی خود عمل کنند.

تکیه گاه من خداوند بزرگ و حقیقت روح اسلام و تعالیم رسول اکرم صلوات الله علیه و آله که مشروطیت ایران نیز بر آن استوار میباید و ما هم روزی بنحست وزیر که در این سرفهمه میگردیم آن سرفهمه که باقی مانده است که شما سابقا میباشید مرا خواهد پذیرفت و اگر باز گفتنهای وقت تجاوز بحقوق عامه را بکنار نیندازد و روزی بر آن تاسف خواهید خورد که بشما بیان سودی نخواهد داشت و السلام علی من اتبع الهدی.

سید ابوالقاسم کاشانی

دکتر مصدق موافقت نمود.

این خبر در عین حال که اسانرا از این احساسات متاثر میسازد نشان می دهد که مردم ایران حتی با خون خود از مردی که خدمتگزار آنهاست و نیم قرن در آزادادی و ساداتشان مبارزه کرده پشتیبانی میکنند. حادثه ۳۰ تیرگی از این صحنه های عجیب بود که ملت ایران مراتب بیداری و هشیاری و خلافت خود را نسبت باین پیشوای بزرگ ملی نشان داد.

مردمی که هنوز دچار رجوع و رجوعیت های بسیار هستند و برای تامین مصالح روزانه شان با مشکلات گوناگون مواجهند با این حال بازارها را تعطیل میکنند دست از کسب و کار می کشند و در تلکرافت ها متحصن میشوند تا از نخست وزیر ملی خود تقویت بکنند و اورا تا رسیدن بپیروزی نهایی مورد حمایت قرار دهند.

در تاریخ کیتی کمتر دیده شده است که ملتی تا این حد پیشوای خود اعتماد داشته باشد.

کمیتر دیده شده مردی تا این پایه در قلوب افراد ملت خود رسوخ کرده و اطمینان آنها را نسبت بخوشی جلب کرده باشد، این نکته نه تنها در معانی داخلی بلکه در معانی بین المللی نیز مورد اعجاب شده است.

این محبوبیت و موقیت عجیب نیست زیرا دکتر مصدق مبعوث و برگزیده ملت است او در تمام دوران زندگی خویش بیش از هر کس با مردم سر و کار داشته با آنها در تماس بوده فرجهها و درد دلهای آنها گوش داده مطالبی را که با آنان وارد آمد بهمین دیده با محرومیتها و تنگنا و مصائب آنها آشنا بوده و از مشاهده این اوضاع ناگوار چنان متاثر شده است که وجود خویش را در وقت خفتن با مردم و موصدق از یکدیگر تفکیک ناپذیرند کونی احساسات و عواطف ملت ایران در وجود او تجلی کرده است زیرا هیچگونه فاصله وجدانی بین آنها نیست برخی از منفی بافان و کاسیکه همواره کارشان داشته با بداندستی تولید فتنه و تفرقه و جدایی بین مردم است این موضوع را بهانه قرار داده میگویند چرا بس از اعطاء اختیارات ششماهه، دکتر مصدق ایران را بهشت برین نکرد؟ در کل پول و طلا را بسوی ایران جاری ساخت؟ صحراهای خشک و ام بزرق را بگلستان های وسیع مبدل نکرد؟

اینها همواره در دلتی و هم و خیال بسیرمیرند با آنکه کارشان فقط منفی بافی و افتقاد بیجا است...

اینها بنظر نمی آورند که کشور ما منجاوز از یکفرن و نیم ازشمال و جنوب و شرق و غرب کوبیده شده همه که مصائب طاقات فرسا بملت ایران وارد آمده استعمار خارجی بالاترین کوشش را برای ویرانی و از هم گسختگی مملکت ما بکار برده است با این وضع آیا هیچ فرد منصفی میتواند انتظار داشته باشد که بر فراز ویرانه های صدور پنجساله تا که آن در عرض چند ماه بنای بزرگشانی که جای آن ویرانهها را بگیرد ایجاد شود؟

مخصوصا اکنون که ما هنوز در حال مبارزه هستیم - هنوز عزیمت استعمار ما دهن کجی میکند - هنوز با آن تکلیف که ما کوهی گوناگون حریف گفته کارها که هر آن در انتظار فرصت است رو برو هستیم بنابر این هیچگاه نباید انتظار معجزه داشت - البته اراده ای ملت متحد و متشکل کارهای فوق العاده میکند که کمتر از معجزه نیست ولی ابتکار وقت و فرصت می خواهد باید اول حریف را در پای در آوریم و جلو تحریر و یکاتو توطئه ها اخلاکریهای او را برای برهم زدن نهضت ملت ایران بکنی قطع کردو در ضمن به اصلاح امور داخلی پرداخت بهمین جهت است که دکتر مصدق تقاضای یکساله اختیارات کرده بود و بهین جهت که ملت بیدار و هشیار ما متوجه حساسیت موقع شدو با اعتقاد و اتفاق عظیمی از نمایندگان خود خواست آنچه را که دکتر مصدق میخواستند با او بدهند - مردم عهد میثاتی را که از روز نخست با پیشوای ملی خود بستند بآن پای بندوفنا کردند و این پیمان را با خود امضاء کردند.

با اینجهت برای اجرای آن همه یک دلو بگریبان بشت سرد کتر مصدق ایستاده اند

دکتر مصدق موافقت نمود.

این خبر در عین حال که اسانرا از این احساسات متاثر میسازد نشان می دهد که مردم ایران حتی با خون خود از مردی که خدمتگزار آنهاست و نیم قرن در آزادادی و ساداتشان مبارزه کرده پشتیبانی میکنند. حادثه ۳۰ تیرگی از این صحنه های عجیب بود که ملت ایران مراتب بیداری و هشیاری و خلافت خود را نسبت باین پیشوای بزرگ ملی نشان داد.

مردمی که هنوز دچار رجوع و رجوعیت های بسیار هستند و برای تامین مصالح روزانه شان با مشکلات گوناگون مواجهند با این حال بازارها را تعطیل میکنند دست از کسب و کار می کشند و در تلکرافت ها متحصن میشوند تا از نخست وزیر ملی خود تقویت بکنند و اورا تا رسیدن بپیروزی نهایی مورد حمایت قرار دهند.

در تاریخ کیتی کمتر دیده شده است که ملتی تا این حد پیشوای خود اعتماد داشته باشد.

کمیتر دیده شده مردی تا این پایه در قلوب افراد ملت خود رسوخ کرده و اطمینان آنها را نسبت بخوشی جلب کرده باشد، این نکته نه تنها در معانی داخلی بلکه در معانی بین المللی نیز مورد اعجاب شده است.

این محبوبیت و موقیت عجیب نیست زیرا دکتر مصدق مبعوث و برگزیده ملت است او در تمام دوران زندگی خویش بیش از هر کس با مردم سر و کار داشته با آنها در تماس بوده فرجهها و درد دلهای آنها گوش داده مطالبی را که با آنان وارد آمد بهمین دیده با محرومیتها و تنگنا و مصائب آنها آشنا بوده و از مشاهده این اوضاع ناگوار چنان متاثر شده است که وجود خویش را در وقت خفتن با مردم و موصدق از یکدیگر تفکیک ناپذیرند کونی احساسات و عواطف ملت ایران در وجود او تجلی کرده است زیرا هیچگونه فاصله وجدانی بین آنها نیست برخی از منفی بافان و کاسیکه همواره کارشان داشته با بداندستی تولید فتنه و تفرقه و جدایی بین مردم است این موضوع را بهانه قرار داده میگویند چرا بس از اعطاء اختیارات ششماهه، دکتر مصدق ایران را بهشت برین نکرد؟ در کل پول و طلا را بسوی ایران جاری ساخت؟ صحراهای خشک و ام بزرق را بگلستان های وسیع مبدل نکرد؟

اینها همواره در دلتی و هم و خیال بسیرمیرند با آنکه کارشان فقط منفی بافی و افتقاد بیجا است...

اینها بنظر نمی آورند که کشور ما منجاوز از یکفرن و نیم ازشمال و جنوب و شرق و غرب کوبیده شده همه که مصائب طاقات فرسا بملت ایران وارد آمده استعمار خارجی بالاترین کوشش را برای ویرانی و از هم گسختگی مملکت ما بکار برده است با این وضع آیا هیچ فرد منصفی میتواند انتظار داشته باشد که بر فراز ویرانه های صدور پنجساله تا که آن در عرض چند ماه بنای بزرگشانی که جای آن ویرانهها را بگیرد ایجاد شود؟

مخصوصا اکنون که ما هنوز در حال مبارزه هستیم - هنوز عزیمت استعمار ما دهن کجی میکند - هنوز با آن تکلیف که ما کوهی گوناگون حریف گفته کارها که هر آن در انتظار فرصت است رو برو هستیم بنابر این هیچگاه نباید انتظار معجزه داشت - البته اراده ای ملت متحد و متشکل کارهای فوق العاده میکند که کمتر از معجزه نیست ولی ابتکار وقت و فرصت می خواهد باید اول حریف را در پای در آوریم و جلو تحریر و یکاتو توطئه ها اخلاکریهای او را برای برهم زدن نهضت ملت ایران بکنی قطع کردو در ضمن به اصلاح امور داخلی پرداخت بهمین جهت است که دکتر مصدق تقاضای یکساله اختیارات کرده بود و بهین جهت که ملت بیدار و هشیار ما متوجه حساسیت موقع شدو با اعتقاد و اتفاق عظیمی از نمایندگان خود خواست آنچه را که دکتر مصدق میخواستند با او بدهند - مردم عهد میثاتی را که از روز نخست با پیشوای ملی خود بستند بآن پای بندوفنا کردند و این پیمان را با خود امضاء کردند.

با اینجهت برای اجرای آن همه یک دلو بگریبان بشت سرد کتر مصدق ایستاده اند

دکتر مصدق موافقت نمود.

این خبر در عین حال که اسانرا از این احساسات متاثر میسازد نشان می دهد که مردم ایران حتی با خون خود از مردی که خدمتگزار آنهاست و نیم قرن در آزادادی و ساداتشان مبارزه کرده پشتیبانی میکنند. حادثه ۳۰ تیرگی از این صحنه های عجیب بود که ملت ایران مراتب بیداری و هشیاری و خلافت خود را نسبت باین پیشوای بزرگ ملی نشان داد.

مردمی که هنوز دچار رجوع و رجوعیت های بسیار هستند و برای تامین مصالح روزانه شان با مشکلات گوناگون مواجهند با این حال بازارها را تعطیل میکنند دست از کسب و کار می کشند و در تلکرافت ها متحصن میشوند تا از نخست وزیر ملی خود تقویت بکنند و اورا تا رسیدن بپیروزی نهایی مورد حمایت قرار دهند.

در تاریخ کیتی کمتر دیده شده است که ملتی تا این حد پیشوای خود اعتماد داشته باشد.

کمیتر دیده شده مردی تا این پایه در قلوب افراد ملت خود رسوخ کرده و اطمینان آنها را نسبت بخوشی جلب کرده باشد، این نکته نه تنها در معانی داخلی بلکه در معانی بین المللی نیز مورد اعجاب شده است.

این محبوبیت و موقیت عجیب نیست زیرا دکتر مصدق مبعوث و برگزیده ملت است او در تمام دوران زندگی خویش بیش از هر کس با مردم سر و کار داشته با آنها در تماس بوده فرجهها و درد دلهای آنها گوش داده مطالبی را که با آنان وارد آمد بهمین دیده با محرومیتها و تنگنا و مصائب آنها آشنا بوده و از مشاهده این اوضاع ناگوار چنان متاثر شده است که وجود خویش را در وقت خفتن با مردم و موصدق از یکدیگر تفکیک ناپذیرند کونی احساسات و عواطف ملت ایران در وجود او تجلی کرده است زیرا هیچگونه فاصله وجدانی بین آنها نیست برخی از منفی بافان و کاسیکه همواره کارشان داشته با بداندستی تولید فتنه و تفرقه و جدایی بین مردم است این موضوع را بهانه قرار داده میگویند چرا بس از اعطاء اختیارات ششماهه، دکتر مصدق ایران را بهشت برین نکرد؟ در کل پول و طلا را بسوی ایران جاری ساخت؟ صحراهای خشک و ام بزرق را بگلستان های وسیع مبدل نکرد؟

اینها همواره در دلتی و هم و خیال بسیرمیرند با آنکه کارشان فقط منفی بافی و افتقاد بیجا است...

اینها بنظر نمی آورند که کشور ما منجاوز از یکفرن و نیم ازشمال و جنوب و شرق و غرب کوبیده شده همه که مصائب طاقات فرسا بملت ایران وارد آمده استعمار خارجی بالاترین کوشش را برای ویرانی و از هم گسختگی مملکت ما بکار برده است با این وضع آیا هیچ فرد منصفی میتواند انتظار داشته باشد که بر فراز ویرانه های صدور پنجساله تا که آن در عرض چند ماه بنای بزرگشانی که جای آن ویرانهها را بگیرد ایجاد شود؟

مخصوصا اکنون که ما هنوز در حال مبارزه هستیم - هنوز عزیمت استعمار ما دهن کجی میکند - هنوز با آن تکلیف که ما کوهی گوناگون حریف گفته کارها که هر آن در انتظار فرصت است رو برو هستیم بنابر این هیچگاه نباید انتظار معجزه داشت - البته اراده ای ملت متحد و متشکل کارهای فوق العاده میکند که کمتر از معجزه نیست ولی ابتکار وقت و فرصت می خواهد باید اول حریف را در پای در آوریم و جلو تحریر و یکاتو توطئه ها اخلاکریهای او را برای برهم زدن نهضت ملت ایران بکنی قطع کردو در ضمن به اصلاح امور داخلی پرداخت بهمین جهت است که دکتر مصدق تقاضای یکساله اختیارات کرده بود و بهین جهت که ملت بیدار و هشیار ما متوجه حساسیت موقع شدو با اعتقاد و اتفاق عظیمی از نمایندگان خود خواست آنچه را که دکتر مصدق میخواستند با او بدهند - مردم عهد میثاتی را که از روز نخست با پیشوای ملی خود بستند بآن پای بندوفنا کردند و این پیمان را با خود امضاء کردند.

با اینجهت برای اجرای آن همه یک دلو بگریبان بشت سرد کتر مصدق ایستاده اند

دکتر مصدق موافقت نمود.

این خبر در عین حال که اسانرا از این احساسات متاثر میسازد نشان می دهد که مردم ایران حتی با خون خود از مردی که خدمتگزار آنهاست و نیم قرن در آزادادی و ساداتشان مبارزه کرده پشتیبانی میکنند. حادثه ۳۰ تیرگی از این صحنه های عجیب بود که ملت ایران مراتب بیداری و هشیاری و خلافت خود را نسبت باین پیشوای بزرگ ملی نشان داد.

مردمی که هنوز دچار رجوع و رجوعیت های بسیار هستند و برای تامین مصالح روزانه شان با مشکلات گوناگون مواجهند با این حال بازارها را تعطیل میکنند دست از کسب و کار می کشند و در تلکرافت ها متحصن میشوند تا از نخست وزیر ملی خود تقویت بکنند و اورا تا رسیدن بپیروزی نهایی مورد حمایت قرار دهند.

در تاریخ کیتی کمتر دیده شده است که ملتی تا این حد پیشوای خود اعتماد داشته باشد.

کمیتر دیده شده مردی تا این پایه در قلوب افراد ملت خود رسوخ کرده و اطمینان آنها را نسبت بخوشی جلب کرده باشد، این نکته نه تنها در معانی داخلی بلکه در معانی بین المللی نیز مورد اعجاب شده است.

این محبوبیت و موقیت عجیب نیست زیرا دکتر مصدق مبعوث و برگزیده ملت است او در تمام دوران زندگی خویش بیش از هر کس با مردم سر و کار داشته با آنها در تماس بوده فرجهها و درد دلهای آنها گوش داده مطالبی را که با آنان وارد آمد بهمین دیده با محرومیتها و تنگنا و مصائب آنها آشنا بوده و از مشاهده این اوضاع ناگوار چنان متاثر شده است که وجود خویش را در وقت خفتن با مردم و موصدق از یکدیگر تفکیک ناپذیرند کونی احساسات و عواطف ملت ایران در وجود او تجلی کرده است زیرا هیچگونه فاصله وجدانی بین آنها نیست برخی از منفی بافان و کاسیکه همواره کارشان داشته با بداندستی تولید فتنه و تفرقه و جدایی بین مردم است این موضوع را بهانه قرار داده میگویند چرا بس از اعطاء اختیارات ششماهه، دکتر مصدق ایران را بهشت برین نکرد؟ در کل پول و طلا را بسوی ایران جاری ساخت؟ صحراهای خشک و ام بزرق را بگلستان های وسیع مبدل نکرد؟

اینها همواره در دلتی و هم و خیال بسیرمیرند با آنکه کارشان فقط منفی بافی و افتقاد بیجا است...

اینها بنظر نمی آورند که کشور ما منجاوز از یکفرن و نیم ازشمال و جنوب و شرق و غرب کوبیده شده همه که مصائب طاقات فرسا بملت ایران وارد آمده استعمار خارجی بالاترین کوشش را برای ویرانی و از هم گسختگی مملکت ما بکار برده است با این وضع آیا هیچ فرد منصفی میتواند انتظار داشته باشد که بر فراز ویرانه های صدور پنجساله تا که آن در عرض چند ماه بنای بزرگشانی که جای آن ویرانهها را بگیرد ایجاد شود؟

مخصوصا اکنون که ما هنوز در حال مبارزه هستیم - هنوز عزیمت استعمار ما دهن کجی میکند - هنوز با آن تکلیف که ما کوهی گوناگون حریف گفته کارها که هر آن در انتظار فرصت است رو برو هستیم بنابر این هیچگاه نباید انتظار معجزه داشت - البته اراده ای ملت متحد و متشکل کارهای فوق العاده میکند که کمتر از معجزه نیست ولی ابتکار وقت و فرصت می خواهد باید اول حریف را در پای در آوریم و جلو تحریر و یکاتو توطئه ها اخلاکریهای او را برای برهم زدن نهضت ملت ایران بکنی قطع کردو در ضمن به اصلاح امور داخلی پرداخت بهمین جهت است که دکتر مصدق تقاضای یکساله اختیارات کرده بود و بهین جهت که ملت بیدار و هشیار ما متوجه حساسیت موقع شدو با اعتقاد و اتفاق عظیمی از نمایندگان خود خواست آنچه را که دکتر مصدق میخواستند با او بدهند - مردم عهد میثاتی را که از روز نخست با پیشوای ملی خود بستند بآن پای بندوفنا کردند و این پیمان را با خود امضاء کردند.

با اینجهت برای اجرای آن همه یک دلو بگریبان بشت سرد کتر مصدق ایستاده اند

دکتر مصدق موافقت نمود.

این خبر در عین حال که اسانرا از این احساسات متاثر میسازد نشان می دهد که مردم ایران حتی با خون خود از مردی که خدمتگزار آنهاست و نیم قرن در آزادادی و ساداتشان مبارزه کرده پشتیبانی میکنند. حادثه ۳۰ تیرگی از این صحنه های عجیب بود که ملت ایران مراتب بیداری و هشیاری و خلافت خود را نسبت باین پیشوای بزرگ ملی نشان داد.

مردمی که هنوز دچار رجوع و رجوعیت های بسیار هستند و برای تامین مصالح روزانه شان با مشکلات گوناگون مواجهند با این حال بازارها را تعطیل میکنند دست از کسب و کار می کشند و در تلکرافت ها متحصن میشوند تا از نخست وزیر ملی خود تقویت بکنند و اورا تا رسیدن بپیروزی نهایی مورد حمایت قرار دهند.

در تاریخ کیتی کمتر دیده شده است که ملتی تا این حد پیشوای خود اعتماد داشته باشد.

کمیتر دیده شده مردی تا این پایه در قلوب افراد ملت خود رسوخ کرده و اطمینان آنها را نسبت بخوشی جلب کرده باشد، این نکته نه تنها در معانی داخلی بلکه در معانی بین المللی نیز مورد اعجاب شده است.

این محبوبیت و موقیت عجیب نیست زیرا دکتر مصدق مبعوث و برگزیده ملت است او در تمام دوران زندگی خویش بیش از هر کس با مردم سر و کار داشته با آنها در تماس بوده فرجهها و درد دلهای آنها گوش داده مطالبی را که با آنان وارد آمد بهمین دیده با محرومیتها و تنگنا و مصائب آنها آشنا بوده و از مشاهده این اوضاع ناگوار چنان متاثر شده است که وجود خویش را در وقت خفتن با مردم و موصدق از یکدیگر تفکیک ناپذیرند کونی احساسات و عواطف ملت ایران در وجود او تجلی کرده است زیرا هیچگونه فاصله وجدانی بین آنها نیست برخی از منفی بافان و کاسیکه همواره کارشان داشته با بداندستی تولید فتنه و تفرقه و جدایی بین مردم است این موضوع را بهانه قرار داده میگویند چرا بس از اعطاء اختیارات ششماهه، دکتر مصدق ایران را بهشت برین نکرد؟ در کل پول و طلا را بسوی ایران جاری ساخت؟ صحراهای خشک و ام بزرق را بگلستان های وسیع مبدل نکرد؟

اینها همواره در دلتی و هم و خیال بسیرمیرند با آنکه کارشان فقط منفی بافی و افتقاد بیجا است...

اینها بنظر نمی آورند که کشور ما منجاوز از یکفرن و نیم ازشمال و جنوب و شرق و غرب کوبیده شده همه که مصائب طاقات فرسا بملت ایران وارد آمده استعمار خارجی بالاترین کوشش را برای ویرانی و از هم گسختگی مملکت ما بکار برده است با این وضع آیا هیچ فرد منصفی میتواند انتظار داشته باشد که بر فراز ویرانه های صدور پنجساله تا که آن در عرض چند ماه بنای بزرگشانی که جای آن ویرانهها را بگیرد ایجاد شود؟

مخصوصا اکنون که ما هنوز در حال مبارزه هستیم - هنوز عزیمت استعمار ما دهن کجی میکند - هنوز با آن تکلیف که ما کوهی گوناگون حریف گفته کارها که هر آن در انتظار فرصت است رو برو هستیم بنابر این هیچگاه نباید انتظار معجزه داشت - البته اراده ای ملت متحد و متشکل کارهای فوق العاده میکند که کمتر از معجزه نیست ولی ابتکار وقت و فرصت می خواهد باید اول حریف را در پای در آوریم و جلو تحریر و یکاتو توطئه ها اخلاکریهای او را برای برهم زدن نهضت ملت ایران بکنی قطع کردو در ضمن به اصلاح امور داخلی پرداخت بهمین جهت است که دکتر مصدق تقاضای یکساله اختیارات کرده بود و بهین جهت که ملت بیدار و هشیار ما متوجه حساسیت موقع شدو با اعتقاد و اتفاق عظیمی از نمایندگان خود خواست آنچه را که دکتر مصدق میخواستند با او بدهند - مردم عهد میثاتی را که از روز نخست با پیشوای ملی خود بستند بآن پای بندوفنا کردند و این پیمان را با خود امضاء کردند.

با اینجهت برای اجرای آن همه یک دلو بگریبان بشت سرد کتر مصدق ایستاده اند

دکتر مصدق موافقت نمود.

این خبر در عین حال که اسانرا از این احساسات متاثر میسازد نشان می دهد که مردم ایران حتی با خون خود از مردی که خدمتگزار آنهاست و نیم قرن در آزادادی و ساداتشان مبارزه کرده پشتیبانی میکنند. حادثه ۳۰ تیرگی از این صحنه های عجیب بود که ملت ایران مراتب بیداری و هشیاری و خلافت خود را نسبت باین پیشوای بزرگ ملی نشان داد.

مردمی که هنوز دچار رجوع و رجوعیت های بسیار هستند و برای تامین مصالح روزانه شان با مشکلات گوناگون مواجهند با این حال بازارها را تعطیل میکنند دست از کسب و کار می کشند و در تلکرافت ها متحصن میشوند تا از نخست وزیر ملی خود تقویت بکنند و اورا تا رسیدن بپیروزی نهایی مورد حمایت قرار دهند.

در تاریخ کیتی کمتر دیده شده است که ملتی تا این حد پیشوای خود اعتماد داشته باشد.

کمیتر دیده شده مردی تا این پایه در قلوب افراد ملت خود رسوخ کرده و اطمینان آنها را نسبت بخوشی جلب کرده باشد، این نکته نه تنها در معانی داخلی بلکه در معانی بین المللی نیز مورد اعجاب شده است.

این محبوبیت و موقیت عجیب نیست زیرا دکتر مصدق مبعوث و برگزیده ملت است او در تمام دوران زندگی خویش بیش از هر کس با مردم سر و کار داشته با آنها در تماس بوده فرجهها و درد دلهای آنها گوش داده مطالبی را که با آنان وارد آمد بهمین دیده با محرومیتها و تنگنا و مصائب آنها آشنا بوده و از مشاهده این اوضاع ناگوار چنان متاثر شده است که وجود خویش را در وقت خفتن با مردم و موصدق از یکدیگر تفکیک ناپذیرند کونی احساسات و عواطف ملت ایران در وجود او تجلی کرده است زیرا هیچگونه فاصله وجدانی بین آنها نیست برخی از منفی بافان و کاسیکه همواره کارشان داشته با بداندستی تولید فتنه و تفرقه و جدایی بین مردم است این موضوع را بهانه قرار داده میگویند چرا بس از اعطاء اختیارات ششماهه، دکتر مصدق ایران را بهشت برین نکرد؟ در کل پول و طلا را بسوی ایران جاری ساخت؟ صحراهای خشک و ام بزرق را بگلستان های وسیع مبدل نکرد؟

اینها همواره در دلتی و هم و خیال بسیرمیرند با آنکه کارشان فقط منفی بافی و افتقاد بیجا است...

اینها بنظر نمی آورند که کشور ما منجاوز از یکفرن و نیم ازشمال و جنوب و شرق و غرب کوبیده شده همه که مصائب طاقات فرسا بملت ایران وارد آمده استعمار خارجی بالاترین کوشش را برای ویرانی و از هم گسختگی مملکت ما بکار برده است با این وضع آیا هیچ فرد منصفی میتواند انتظار داشته باشد که بر فراز ویرانه های صدور پنجساله تا که آن در عرض چند ماه بنای بزرگشانی که جای آن ویرانهها را بگیرد ایجاد شود؟

مخصوصا اکنون که ما هنوز در حال مبارزه هستیم - هنوز عزیمت استعمار ما دهن کجی میکند - هنوز با آن تکلیف که ما کوهی گوناگون حریف گفته کارها که هر آن در انتظار فرصت است رو برو هستیم بنابر این هیچگاه نباید انتظار معجزه داشت - البته اراده ای ملت متحد و متشکل کارهای فوق العاده میکند که کمتر از معجزه نیست ولی ابتکار وقت و فرصت می خواهد باید اول حریف را در پای در آوریم و جلو تحریر و یکاتو توطئه ها اخلاکریهای او را برای برهم زدن نهضت ملت ایران بکنی قطع کردو در ضمن به اصلاح امور داخلی پرداخت بهمین جهت است که دکتر مصدق تقاضای یکساله اختیارات کرده بود و بهین جهت که ملت بیدار و هشیار ما متوجه حساسیت موقع شدو با اعتقاد و اتفاق عظیمی از نمایندگان خود خواست آنچه را که دکتر مصدق میخواستند با او بدهند - مردم عهد میثاتی را که از روز نخست با پیشوای ملی خود بستند بآن پای بندوفنا کردند و این پیمان را با خود امضاء کردند.

با اینجهت برای اجرای آن همه یک دلو بگریبان بشت سرد کتر مصدق ایستاده اند

دکتر مصدق موافقت نمود.

این خبر در عین حال که اسانرا از این احساسات متاثر میسازد نشان می دهد که مردم ایران حتی با خون خود از مردی که خدمتگزار آنهاست و نیم قرن در آزادادی و ساداتشان مبارزه کرده پشتیبانی میکنند. حادثه ۳۰ تیرگی از این صحنه های عجیب بود که ملت ایران مراتب بیداری و هشیاری و خلافت خود را نسبت باین پیشوای بزرگ ملی نشان داد.

بقیه از صفحه

بقیه از صفحه ۱

جدید این مجلس را منحل سازد و مجلسی جدید بر اساس قانون انتخابات جدید بوجود آورد. لکن اوچنین کاری نکرد زیرا در سراسر زندگی سیاسی و اجتماعی خود معتقد بوده است که اراده ملت باید مورد احترام قرار گیرد و آنرا که را که می‌خواهند نباید انجام داده شود.

مگر او نبود که چندی قبل برآمدن این مملکت را آورد و گفت که «چون من از منبع عظیم قدرت ملی نیرو میگیرم لذا برای باز دگر بنی سرچشمه قدرت و آوردن و یک مساعدت و مطالبم.»

مگر او نبود که یکسال و نیم قبل مورقیکه جمال امامی ها درمجلس گوش بستن او نمیدادند از سخن مجلس شورای ملی بیرون آمد و در میدان بهارستان برآمد گفت: «مجلس حقیقی اینجاست نه از شنیدن آن اباء داشتن، برش ملت ایران رسدند؛ اما نمیدانم آیا آنها می‌تواند یا نتواند اینجانب را از قانون کزاری دکتر مصدق مخالفت میوزیدند و او را «دیکتاتور» آینه ایران میخواندند و میگویند معنی واقعی «دیکتاتور» اطلاع دارد یا غیر؛ دیکتاتور کسی را میگویند که اراده خود را بر دیگری تحمیل کند» و اگر که دکتر مصدق در دیکتاتور بیغوانم باید قبول کنیم که وی چنان مردی است که میخواهد همانطوریکه روزی هینلرد آلان موسولینی درایتالیا مرد را تحت حکومت سر نیزه قرارداد و آنها را بواوی فنا و نیستی کشانید او هم در نظر دارد ملت ایران را بار دیگر در زیر فشار دیکتاتوری خرد کند قدرت آزادی را از مردم سلب نماید! ما سؤال میکنیم آیا مطابقت اقدامات گذشته دکتر مصدق چنین اصلی را تأیید میکند آیا او ای که درمجلس بعنوان لایق قانونی در مدت شش ماه اختیارات خود بتصویب رسانیده بدون ارجاع به ملت و کسب نظرا ز فرد بر مردم این مملکت بوده است؟

آخر اعتراض و اتهام هم حدی دارد و محتاج به آثار و شواهد و دلایل و کافی میباشد. از طرف دیگر مردم هم عقل دارند و هم چشم هم میبینند و هم میبینند که درمجلس سبک افریزی و مشروطیت را که امروزه سبک افریزی و مشروطیت بر سینه کوفته و بنام دموکراسی لکه دیکتاتوری بر مصدق میچسباند اما در اینجا بی شوامی از روی حقایق که در سینه اتهامه اعتراضات و اتهامات وجود دارد پدید میآید و از آنها میگوید که امروز ماسک آزادی خواهی و وطنپرستی بر چهره زده اند مردم بشناسانیم زیرا میدانیم که این عمل ما بزبان نهضت ملی و بسود دشمنان ایران خواهد بود و ممکنست دشمنان ایران از این حقیقت کوتیها چنین نتیجه بگیرند که درصفت شکست ناپذیر نهضت ملی ایران شکافی بوجود آمده که دشمن میتواند از استفاده آن برای استقرار مسجد منافع یلبد امپراطوری بود باذلت ایران راه یابد. ما فقط در آنجا نبودند گفتار هفتگشته خود را تکرار میکنیم و میگوئیم «اختلاف و تقاضی بین است، دنیا ناظر افعال و رفتار ماست.»

شما برادری نلش، همان دستگه سوسیده استماری زدن بین المللی، گوش دادید و دیدید که دشمن ملی چقدر روزا خیر چه خوشتر صباهای می کرد و چگونه از بروز اختلاف در میان افراد جبهه ملی ابراز شای و ضعف مینمود امگر مخالفین امروز دکتر مصدق که در یوز در صف طرفداران جدی او بودند و او را پیشوای خود میخواندند نمیدانند که دشمن منتظر یک فرصت است و آن همین فرصتی بود که در روز اول آبان شور و زاری ایجاد آن تلاش میکردند و از هیچ چیز دریغ نمی نمودند!!!

آنها میدانند که اگر بالا بیاچه تمهید اختیارات یکساله دکتر مصدق مخالفت میکند و مجلس از تقاضای او رد مینماید و پیشه ما بجهه حالی میافزاد؛ بدنه است همانطوریکه مصدق بارها گفته است در اینصورت «هنه مجلس را میبوسید و باسند آباد میرفت» در آنوقت ما مطمئنیم که واقعه ای ام تیر تکرار

وضع سیاسی

بقیه از صفحه ۱

دیگری نیست در مسائل سیاسی هم که ما شاء الله امروز همه نویسنده و توانا و مشهور میباشند و هر کس بخود چشم میدهد که در مسائل مهم بدون اینکه حرف بیازد سیاست را بداند خود را دکتر و پرفسور دانسته و با رجال سیاسی جهان که عمری را در این رشته صرف کرده اند خود را هم ردیف و هم برابر تراوی بداند و حتی اگر با او ایراد گرفته نشود دیگران را تهنی مفر و خود را نایب میسپارد این مقدمه را در تفسیر سیاسی از این لحاظ یاد آور شدیم که بدانیم با این اخلاق و صفات و زود رجعی ما نمیتوانیم در برابر دنیای مجهز بعلم و عقل و فکر و اتحاد مقاومت کنیم.

ایران تنها از لحاظ نفت نقطه حساس بین المللی نمیشاید بلکه مرکز مهم سوت- الجیشی خاور میانه و دروازه دریای آزاد و سنگر محکم غرب و شرق است، ما با این ضعف و سستی اخلاقی شکل استیم بخواهیم جان سالم از زمره که بیرون آوریم ما مشغول گفتگوهای خصوصی خودمانی هستیم و جز سوء ظن و بدبینی هنری نداریم و اعتماد ما بیهوده زایل شده است بنا بر این در هر دو نیروهای توانا و مسلط با مود چطور مقاومت میکنیم.

دشمنان ما کوشش دارند برای روزهایی که دنیا در انتظار آن است بقدری ما را ناتوان وضعی سازند که در حمله اول نابود شویم. صفوف مخالف و موافق هر دو با این نظر با ما نگاه میکنند زیرا بالاخره ملتی که بصورت کرد درآمد قصباها او را قربانی خواهند کرد هیچکس تردید ندارد که بالاخره تنگ سویم دیر یا زود به می آید و بنا بر این باید انیطور با خیال راحت و آسوده نشست و تصور کرد که این ساخت و سازها و تهیه مهیات و گرفتن فرودگاههای شوخی و برای تفریح است.

آنها اینکه تصور میکنند به یک یکدسته از اجانب میتوانست استقلال ایران را حفظ کنند سخت در اشتباه هستند اما دوستانی داشته باشیم غیر از افراد ایرانی دیگری نخواهد بود خوش بآوری را باید کنار گذارد و دنیا را بششم عقل و آثار و فعالیت های معنوی مشاهده کرد ملتی که برای حل معضلات و رفع مشکلات است و اظهار مودعت باشد محکوم بزوال است ولی ما میدانیم مات عبارات از آن دسته مردان کم طاقت و بی اراده نیستند که هر روز در تیرتیر حالات و عقیده می دهند، ملت ایران سرچشمه فکر و عقل و االهام ازاده است و برای همین تشخیص است که ایمان و اعتقاد دارند که باید دکتر مصدق ثابت بماند و باین مشکلات فیصله دهد در هر حال وضع دنیا خوب نیست مسافرت جریل با آمریکا مسافرت تفریح و گردش نمیشاید او برای تماس با کالیفرنی و کارخانه های واشنگتن نرفته است، ملاقات او با زین هاور برای مصاحبه دوستی و تشریفات ظاهری نیست، او رفته برای ملت ایران و سایر کشورهای ضعیف که مدت ها وسیله استفاده امپراطوری انگلستان بودند یا پوش بدوزند، او رفته است که با مکر و حیله و شمشیر بازی ازین هاور تازه کار و یک مرد شرافتمند و سرباز ده که جز راستی اخلاقی نداشته است، او رفته برای اینکه قائم مقام ترومن و رئیس جمهوری تازه نفس را مانند رئیس

میشد و او کتک و کشتار در آن موقع بریزد و اگرولت انجام دهد از اینوقت دوزخ ادامه پیدا میکند و خدا میداند پس از آن بیا هو و انقلاب چه شخصی زمامدار میشد و چه رژیم پس بر این مملکت حکومت میکرد اما از این اقلابان مخالفین سؤال میکنیم اقدام آقای کتر مصدق موجب رژیم دیکتاتوری بود یا عمل آنها؛ سوت آنها مملکت را بسوی دیکتاتوری سوق میداند یا دکتر مصدق پاسخ این سؤال آسان است و مادر حیرتیم چگونه چند رجال سیاسی ممکن است در این موقع حساس بین المللی با این اختیارات مسلم سیاسی دست زدن و ازغوا و خود اقدامات خود اطلاعی نداشته باشند!

مادر هر صورت امیدواریم در آبان آبان ناپدیدگان عقل و منطق را چراغ خود قرار دهند و با اقدامی نبرداند که منجر بسقوط این مملکت در ورطه فنا، نیستی و بردگی اقتصادی و سیاسی گردد.

نامه اراک

جمهوری که مدت ریاست او بیابان رسیده است بشفق انگلستان تفسیر ماهیت دهد

این روند کهنه کار و پیرسالخورده سیاست که شاهان جهان و نواحی گیتی را در دوره زمامداری خود در طول تاریخ زندگی امت و چند سیدل در نظر هیچ سیاست مسالما ساخته میسپارد چه درش این هاور را در بیج و مهرها و گردش صفحه بازی حیران نماید - آیا اگر ایزن هاور هم سیاست ترومن را در پیش گرفت ما باید انتحار سیاسی نامیم، این در دیای امروز هر دولتی و هر بلوک قوی در برابر اراده ملتها ناتوان هستند، ولی ملت ما با اراده آنراست که بیشرایان خود احترام بگذارد و از فکر و عقل و تجارب آنها الهام بگیرد.

بعضی ظاهر بنیان تصور میکنند که وقتی ترومن صندلی ریاست جمهوری را ترک گفت و از کاخ ایبش بیرون آمد جریان نفت بزم تمام میشود و ایست که تصور می کنند که ملاحظه در کارها خالی از زبانه است تجدید اختلافات ضروری ندارد و اگر اختیارات دکتر مصدق تمام نشود و باز وضع سابق تجدید کردید اشکالی ندارد و ترومن بخواهد آمد ولی میدان سیاست بین المللی از این اوهام و خیالات شاعرانه جدا است و باید بیدار بود و وجهه را بر این در هر دو نیروهای توانا و مسلط با مود چطور مقاومت میکنیم.

دشمنان ما کوشش دارند برای روزهایی که دنیا در انتظار آن است بقدری ما را ناتوان وضعی سازند که در حمله اول نابود شویم. صفوف مخالف و موافق هر دو با این نظر با ما نگاه میکنند زیرا بالاخره ملتی که بصورت کرد درآمد قصباها او را قربانی خواهند کرد هیچکس تردید ندارد که بالاخره تنگ سویم دیر یا زود به می آید و بنا بر این باید انیطور با خیال راحت و آسوده نشست و تصور کرد که این ساخت و سازها و تهیه مهیات و گرفتن فرودگاههای شوخی و برای تفریح است.

آنها اینکه تصور میکنند به یک یکدسته از اجانب میتوانست استقلال ایران را حفظ کنند سخت در اشتباه هستند اما دوستانی داشته باشیم غیر از افراد ایرانی دیگری نخواهد بود خوش بآوری را باید کنار گذارد و دنیا را بششم عقل و آثار و فعالیت های معنوی مشاهده کرد ملتی که برای حل معضلات و رفع مشکلات است و اظهار مودعت باشد محکوم بزوال است ولی ما میدانیم مات عبارات از آن دسته مردان کم طاقت و بی اراده نیستند که هر روز در تیرتیر حالات و عقیده می دهند، ملت ایران سرچشمه فکر و عقل و االهام ازاده است و برای همین تشخیص است که ایمان و اعتقاد دارند که باید دکتر مصدق ثابت بماند و باین مشکلات فیصله دهد در هر حال وضع دنیا خوب نیست مسافرت جریل با آمریکا مسافرت تفریح و گردش نمیشاید او برای تماس با کالیفرنی و کارخانه های واشنگتن نرفته است، ملاقات او با زین هاور برای مصاحبه دوستی و تشریفات ظاهری نیست، او رفته برای ملت ایران و سایر کشورهای ضعیف که مدت ها وسیله استفاده امپراطوری انگلستان بودند یا پوش بدوزند، او رفته است که با مکر و حیله و شمشیر بازی ازین هاور تازه کار و یک مرد شرافتمند و سرباز ده که جز راستی اخلاقی نداشته است، او رفته برای اینکه قائم مقام ترومن و رئیس جمهوری تازه نفس را مانند رئیس

یک دیول استعمراتی که نیم قرن است هستی و خون ما را مکیده هیچگاه حاضر نمیشود که عملا اعتراف نماید مسا مالک نفت هستیم او پیش از یک خزانه را در مقابل ما نخواهد بود بنا بر این از مذاکرات مامورین خارجی و روزنامه ها و روزبوها دست نشودند باید با اوضاع و احوالی که مسافرت جریل با آمریکا بوجود خواهد آورد حل مسئله نفت گفتگو خواهد شد.

برای اینکه از مطالعه اوضاع سیاسی بی بهره نمانیم و سیر جهان را از سایر موارد در نظر بیآوریم باید بگوئیم چنگ سوم وجود دارد متنی سه - سیدانهای چنگ صورت رنگناکتی گرفته و هنوز دولت های زورمند اجازه حرکت کرورها سرباز و تانک و هواپیما را نداشته اند و وضع چین و وسط انقلاب در ارتش اروا سب روز بروز قوت می شود و در حال حاضر باش است متغیر بعضی دولت ها مانند فرانسه گرفتار فساد اخلاق داخلی و تحولات سیاسی است و در عین حال مامورین او در تونس سیلاب خون را از هر طرف روان میسازند در مردم را مانند ترک خزان با مسلسل نابود و برانگنده مینمایند. وضع داخلی اقتصادی انگلستان بسیار بد است، و اگر بخواهد حمله را آغاز کند مسلم است وقتی آمریکا خود گرفتار جبهه های مختلف باشد باو کمکی نخواهد کرد.

دنام کارهای دولتهای سرمایه داری به نفوذ کمونیسم کمک مئوری کرده آ نازده خود و برادر کشی در اغلب کشورها نمایان است. در پاکستان آنارشی در فتنه ها ظاهر و هودایت در دانشگاه گراجی زد خورد بین دانشجویان درام دارد. بالاخره دولت ها بول میخوانند تا وضع خود را منظم کنند. بعضی حکومتها

حکومتی که بکشد

بقیه از صفحه ۱

در سرزمین باستانی مصر بودند اجراء گذارده و کشور آنها را بسر منزل استقلال (۲۱) و آزادی (۲۲) برساند.

میتورد نیروندنی است که نه وی در خانه بظاهر ابیرومند بنظر میرسد. وی در خانه مخفی بازن و سه فرزندش زندگی می کند. موقعیت نگهانی وی دبائی را بتبعیب و شگفتی وا داشت لکن آنها آیهیکه بوضع اجتماعی و سیاسی کشور کهنسال مصر آشنائی دارند میدانند که در وضع فعلی هر گاه فرد دیگری هم باین عمل اقدام مینمود موفقیت نصیب او میشد. یکی از مهمترین علل موفقیت نجیب آنست که امروز کلیه افراد فقیر و غیر متمکن مصر باین نتیجه رسیده اند که هیچ دلیلی وجود ندارد که آنها مانند سابق بخدمت ستاوی حقوق و اختلاف طبقاتی تن دردهند. علت ذم شگستی است که در سال ۱۹۴۸ در بیابان سوزان مصر نصیب ارتش مصر در برابر سربازان کشور اسرائیل شد. در آنوقت ناصق و فرماندهی الی لایق بود و همه بتجربه دانستند که علت شکست ارتش مصر فساد دستگاه حکومت مصر است بر عدم شجاعت و علاقمندی سربازان مصری.

در سال ۱۹۵۰ اسرار موجود در پس برده شکست ارتش مصر افشا کردید و هم دانستند که عده ای افراد فاسد برائش فروش ادوات و مهیات جنگی تلبلی که موجب شد صدها سرباز مصری در خط اول جبهه قتل گردند. برای آنکه مسببین امر مجازات شوند عده ای از افسران نارضی بقارون شکایت بردند و از تقاضای تعقیب و مجازات مسئولین امر ازاد نمودند لکن فاروق به تقاضای مشروع آنان اعتنا نمی کرد و همچنان بعیش و عشرت پرداخت. در نتیجه افسران تصمیم گرفتند که ارتش مصر را در میان افسران بدرستی و شجاعت مشهور بود تقاضا نمودند که فرماندهی کودتا را بعهده بگیرد. در نتیجه کودتای مصر با کمال آرامی و بدون خونریزی اجرا گردیده شد.

نجیب میدانند که اگر بزودی دست باصلاحات نزنند و توده مردم را از فقر و تنگدستی و فساد طبقه حاکمه رهائی نبخشند کودتای او با شکست مواجه خواهد شد. بنا بر این هیئتکه زمام امور را در مصر بدست گرفت اعلام داشت که «یکی از اولین برنامه های اصلاحی ما اینست که مالکیت زمین را محدود سازم و سطح قیمت ها را تنزل دهم.» برای آنکه برنامه خود را بود اجرا گذارد سلیمان حافظ را معاونت نخست وزیری خود برگزید. وی حقوق دانی است که در مصر بی تکی شہرت دارد. نجیب با مشکلات فراوانی مواجه است زیرا در مصر اقدام با اصلاحات کار آسانی نیست تنها با وضع قوانین نمیتوان کشور فاسدی را اصلاح نمود. فساد در بسیاری از موارد زائیده حرص و آذ نیست بلکه نتیجه احساس عدم امنیت اجتماعی، نومیوری و ترس از فرداست: بسیاری از مردم مصر چون در مقابل آئینه روشن و استواری نمیبینند لذا دامن خود را به

که در اشتباه هنوز باقی مانده اند تصور میکنند با افزایش اعلام مالیات ها می توانند بول بیدار کنند غافل از اینکه همین عدل به فقر عمومی که زمینه مساعدی برای نفوذ کمونیسم است کمک میکند و چنانچه این فتنه های کزانی که برای دفاع از خطر کمونیسم بعمل میاید صرف تولید ثروت شود و وضع آسایشی برای مردم بوجود آید هیچ چاره با افرادی بطرف عقاید اشتراکی نمیروید

یکی از خیرهای برجسته این بود که جزایر مالدیو جمهوری شده و وضع دوست ساله خود را عوض کرده است این جزایر نقش مهمی را در چنگ های دریایی آئینه خواهند داشت و خطر چنگ سوم در کوچکترین نقاط دور افتاده زمین خنق قطب شمال و مناطق یخبندان جنوب وجود دارد. فعالیت های صوف دور کراسی و کمونیستی و تبلیغات زنکا رنگ آن دنیا را برآز وحشت و نگرانی ساخته و خدا میداند عاقبت جهان و روزگار آدمیان با این گمراهی ها و فتنه ها و خود پرستی ها بکجا خواهد رسید.

فساد و رشوه خسوری میبایند. نجیب برای اینکه اصلاحات اساسی در کشور خود بجری داد ناچار است که قدرت فتودالها و سرمایه داران بزرگ را ر شکست و اجتنام مصر را بشناود نویز فازخ اذخات جیتاج که فاسدگند بنانهید در برابر اقدامات نجیب گذشته از افراد فاسد دسته ها و اغشاسی وجود دارند که او را دست نشانند بیکانگان میداند و چون اطمینان دارند که این کودتا سرتانجام بسود کشورهای سرمایه دار باختری یعنی انگلستان و آمریکا خواهد بود لذا سخت مخالفت میکنند و اقدامات او را که بمنظور فریب دادن عامه مردم بود اجرا گذارده میشود خشتی میسازند. اخیرا در مصر اعتصابهای صورت گرفته که همه زائیده عدم اعتماد مردم مصر بدستگاه حکومت فعلی و نشانه آگاهی مردم است. چندی قبل شش هزار کارگر کارخانجات اساخای دست باعصاب زدن ماشین آلات کارخانه را شکستند و پلیس را سبک باران نمودند. نجیب که با چنین جنش و اعتراضی مواجه گردید بحرکین آذ انرا خیان خواند و بارش دستور داد که علیه کارگران با اقدام بیرودانه. تا نکنها ورزه و بشا برکت درآمده، کارگران را هدف تیر قرار دادند و نه نفر آنان را بقتل رسانیدند و دادگاه مصهرائی دهبران کارگران را بجرم «خیانت بجهن» محکوم نمود!

امروز در خاور میانه و هیران دیگر میکشوند که ژنرال نجیب را سر مشق خود قرار دهند و از اقدامات او پیروی کنند روزنامه های مصری و اروپایی لیکن را «آنا تورک» مصر میخوانند. لیکن مانند «آنا تورک» و «ژنرال نجیب» - تفرق بسپاد است. نجیب می گوید که یک کشور فاسد سلطنتی را بیک مملکت مترقی دموکرات بدل سازد لکن امید زیادی نیست که در این راه موفق شود. موفقیت نجیب بحیثیت حاکم انگلستان و آمریکا (۲۱) دارد و تا این دو کشور با او کمک مادی نمیبند و در نهضت خود موفقیتی بدست نخواهند آورد. خوشبختانه انگلیس با «نجیب» روی موافق نشان داده و موافقت کرده اند که حاضرند افسران مصری را تحت آموزش قرار دهند و با آن فنون جنگی بیاموزند (۲۱) نجیب با انگلیس مخالفت ندارد و جدا کردن ایجاد سازمان دفاعی خاور میانه است لکن انگلستان میرسد که آشکارا بحیثیت از حکومت نجیب بردارد زیرا در مصر احساسات ضد انگلیسی شدید و کسی را باری قبول حمایت و کمک از انگلستان نمیباشد. چندی قبل یکی از اعضاء مؤثر وزارت خارج انگلستان اعلام داشت که «ما با ژنرال نجیب و حکومت او موافقت لکن جرئت اظهار آنرا نداریم زیرا میدانیم که همین اعلام نظر بزبان مابیان خواهد یافت وزارت خارج آمریکا معطاء تراز

وزارت خارج انگلستان است و حتی از کمک بدولت نجیب خود داری نموده است که «آجن» چندی قبل اظهار داشت که اگر دولت آمریکا بدولت مصر کمک مالی و نظامی نماید دو نتیجه خواهد داشت اول آنکه مصر ممکن است بر تقویت نیروی نظامی مجددا پادوت اسرائیل چنگ بردازد دوم آنکه مصر نقشه دفاع خاور میانه را که نقشه انگلیس هاست (۲۱) بود اجرا گذارد، در هر صورت در در مصر اختلاف نظر مابین انگلستان و آمریکا وجود دارد و معلوم نیست آیا کودتای نجیب ادامه خواهد داشت و یا بر نوزت کودتاها مصر در میلا خواهد شد.

نامه اراک

اراک: میدان بهلوی
تهران: خیابان ناصر خسرو دربروی وزارت عدالتی
بهای اشراک
یکساله: ۱۵۰ ریال
شش ماهه: ۱۰۰ ریال
صافه اول ستری: ۱۰ ریال
صفحه چهارم ستری: ۸ ریال
صفحه دوم سوم: ۶ ریال